

سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس نهاد وقف پول*

- تقی ابراهیمی سالاری^۱
- سیدمحمد سیدحسینی^۲
- سیدمهدی نریمانی زمان‌آبادی^۳

چکیده

از آنجا که تنوع بازار سرمایه و نهادهای مالی در غرب و شرق دور موجب تشکیل صندوق وقف شده است و تأثیری بر بازار سرمایه داشته است، گسترش چنین نهادها و صندوق‌های وقفی در ایران می‌تواند موجب گسترش بازارهای مالی و رشد سرمایه‌گذاری در کشور شود. هدف این مقاله، پس از امکان‌سنجی وقف پول از لحاظ شرعی، پی بردن به امکان نوآوری در ابزار مالی اسلامی از طریق ایجاد و گسترش نهاد وقف پول و سرمایه‌گذاری از طریق آن در تأمین مالی عقود اسلامی و در نهایت اثر آن بر کاهش فقر است. روش پژوهش بر اساس تحلیل نظری و مبتنی بر منابع معتبر داخلی و خارجی و همچنین دریافت پاسخ سؤالات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (ebrahimi@um.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی (نویسنده مسئول) (sm.sh65@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی (narimani@stu-mail.um.ac.ir).

طراحی شده در زمینه موضوع تحقیق از دفتر مراجع تقلید می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به راهکارهای ارائه شده توسط نگارندگان، اگر از وقف پول در ایران به عنوان یک ابزار مالی استفاده شود، وجوه وقف شده می‌توانند به عنوان منبعی برای افزایش سرمایه گذاری در قالب انواع عقود اسلامی و قانونی تلقی شوند و صرف سود حاصل از این نوع سرمایه گذاری‌ها در برنامه‌های فقرزدایی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر در جامعه داشته باشد.

واژگان کلیدی: وقف، وقف پول، سرمایه گذاری، توسعه، فقر.

طبقه‌بندی JEL: E22, G11, I30, J62, O10, O16, O23, Z0, Z12.

مقدمه

وقف مال به قصد انجام کار نیک، همیشه به شکل‌های گوناگون از جمله وقف خانه و زمین وجود داشته است. دامنه موقوفات گسترده‌تر از املاک و اموال ثابت است و دارایی‌های منقول را نیز فرا می‌گیرد. پول، به دلیل رواج و آسان بودن دسترسی به آن، جایگاه ویژه‌ای در میان اموال منقول دارد. وقف پول در صورتی که اجرایی شود و در امور خیریه صرف شود، موجب ترویج سنت حسنه وقف می‌شود و ترویج وقف، بخشی از مشکلات مالی نیازمندان را برطرف می‌سازد. از آنجا که وقف در ایران مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است، باید در چارچوب اصول مشخصی که برای آن تعریف شده است، انجام شود. اما به علت تعاریف محدود از آن امکان گسترش دامنه و تجهیز بسیاری از دارایی‌های مالی در قالب آن ناممکن شده است. بنابراین لازم است که همراه با تحول اوضاع و شرایط و مقتضیات زمان و مکان، مسائل جدیدی همچون وقف پول بررسی و تحلیل گردد و برای تجدید حیات سازمان اوقاف باید روش‌های جایگزینی ایجاد شود؛ چرا که ممکن است همه مردم توانایی مالی لازم را برای وقف زمین یا ساختمان نداشته باشند. ایجاد نهادهای وقف نقدی یکی از راهکارهای شرکت کردن مردم در این امر مهم با صرف نظر از هر میزان توانایی مالی است.

از آنجا که واگذاری اموال وقفی بدون تحمیل مخارج اضافی بر دولت انجام می‌شود، فرصت اقتصادی بسیار خوبی برای سرمایه گذاری فراهم می‌شود. از طرفی می‌توان وقف پول را به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی خاص سوق داد. هدف از

وقف پول می‌تواند هدایت سرمایه یا وجوه وقف‌شده به بازار برای سهام بودن در توسعه کشور و به واقعیت رساندن و اجرایی کردن خواسته اهداکنندگان پول‌های وقفی در سیاست وقف پول از طریق گسترش منافع و سود حاصل از آن در جهت کاهش فقر در جامعه باشد. در این مقاله سعی می‌شود بر اساس منابع معتبر داخلی و خارجی و همچنین دریافت پاسخ سؤالات طراحی شده در زمینه موضوع تحقیق از دفتر مراجع تقلید، اثر وقف پول در افزایش سرمایه‌گذاری در قالب عقود اسلامی و صرف سود حاصل از آن در فقرزدایی به عنوان یک متغیر اساسی در توسعه کشور بررسی شود. برای این منظور ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق در این زمینه تبیین و پس از بررسی مفاهیم مورد استفاده در تحقیق، به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. سؤالات تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

۱. آیا وقف پول در فقه شیعه قابل اجراست؟
۲. آیا وقف پول می‌تواند در قالب تأمین مالی عقود اسلامی بر افزایش سرمایه‌گذاری اثرگذار باشد؟

مبانی نظری

در قرآن کریم آیات زیادی در باب احسان و نیکوکاری و نیز ضرورت انفاق، اطعام و خدمت به بندگان وجود دارد، از جمله ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران/ ۹۲). طبرسی انفاق در آیه کریمه را دارای معنایی عام و گسترده دانسته که شامل وقف هم می‌شود و اظهار داشته است که ابوظلحه در هنگام نزول این آیه، بستانی را که محبوب‌ترین اموالش بود بین اقوامش تقسیم کرد و زید بن حارثه اسب مورد علاقه‌اش را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله آورد تا آن را در راه خدا انفاق کند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن اسب را به اسامه (پسر زید) داد. بسیاری از مفسران در ذیل آیه کریمه ضمن نقل داستان وقف و تصدق ابوظلحه انصاری و زید بن حارثه، به بیان اهمیت مسئله وقف پرداخته‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۰: ۷۹۲/۲؛ راوندی، بی‌تا: ۲۹۰/۲؛ قرطبی، بی‌تا: ۱۲۵/۳؛ سید قطب، بی‌تا: ۹۲/۴). امام صادق علیه السلام فرمود:

بهترین بازمانده‌های انسان پس از او سه چیز است: فرزند نیکوکاری که برایش آمرزش

بخواهد، شیوه نیکویی که از آن پیروی شود و صدقه جاریه‌ای که از او باقی بماند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

با مرگ شخص پرونده عمل او بسته می‌شود مگر از سه جهت: صدقه جاریه، علم مفید و فرزند صالحی که برای او دعا کند و آمرزش بخواهد (مسلم بن حجاج، بی‌تا: ۷۳/۵).

بر اساس دو حدیث مرسل^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حَبَسَ الْأَصْلَ وَسَبَّلَ الثَّمَرَ» (احسائی، ۱۴۰۵: ۲۶۰/۲) یا «حَبَسَتْ أَصْلَهُ وَسَبَّلَتْ ثَمَرَتَهَا» (نوری، ۱۴۰۸: ۴۷/۱۴). شاید این دو منبع نخستین منابع شیعه باشند که وقف را چنین تعریف کرده‌اند. با توجه به اینکه این دو حدیث مرسل بوده یا گزرت‌برداری از فقه اهل سنت‌اند، حجیت شرعی ندارند. در روایت موثقه‌ای^۲ آمده است که امام صادق علیه السلام مقداری از اموالش را وقف کرد تا چند بخش شود و پس از شهادت ایشان، در زمان‌های خاصی آن‌ها را انفاق کنند (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۴/۱۹). در روایت صحیح^۳ دیگری آمده است که امام کاظم علیه السلام زمینی را وقف کرد با این شرط که در صورت نیاز، آن را بفروشند و با پول آن، مشکل را برطرف سازند (همان: ۲۰۲/۱۹).

با بررسی روایات مشاهده می‌شود که در کلام و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله کلمه وقف به کار نرفته بلکه صرفاً عبارت «صدقه جاریه» استفاده شده است و فقط در تعداد معدودی از احادیث ائمه اطهار علیهم السلام کلمه وقف مورد اشاره قرار گرفته است (حائری و عباسی، ۱۳۸۶: ش ۷۸/۱۹). به علت کاربرد «صدقه جاریه» در احادیث و عدم کاربرد وقف در صدر اسلام، کلمه «وقف» بر «صدقه جاریه» ترجیح داده شده و در تعریف آن نیز عمدتاً بر دو تعریف زیر تأکید گردیده است:

۱) تحبیس الأصل وإطلاق المنفعة

۲) تحبیس الأصل وتسییل المنفعة

بنابراین با توجه به دو انتخاب «وقف» به جای «صدقه جاریه» و «اصل» به جای «مال» دامنه صدقه جاریه را محدود به اموالی کرده‌اند که دارای عین خارجی بوده تا

۱. روایت مرسل: روایتی که برخی از روایان آن در سلسله سند ذکر نشده‌اند.

۲. حدیث موثق: حدیثی که همه روایان آن راستگویند اما حداقل یکی از روایان آن غیر شیعه است.

تصور تحبیس اصل برای آنها امکان پذیر باشد و همچنین اصل آنها در صورت استفاده زایل نگردد. خلاصه آنکه تعریف اصطلاحی وقف میان فقیهان، منشأ روایی ندارد حتی در روایات صحیح‌السند، برخی مصادیق و موارد وجود دارد که این تعریف را مخدوش می‌سازد.

از ظاهر عبارت برخی فقیهان امامی به نظر می‌رسد که در میان فقیهان بعضی بر جواز وقف پول فتوا داده‌اند. ابن زهره حلبی در این مورد می‌نویسد:

«لا يجوز وقف الدرهم والدنانیر بلا خلاف ممّن یعتدّ به» (۱۴۱۷: ۲۹۷)؛ بدون اختلاف نظر قابل توجهی، وقف درهم و دینار جایز نیست.

در واقع تعبیر «ممّن یعتدّ به» نشانگر آن است که هیچ یک از بزرگان با وقف پول موافقت نکرده‌اند اما کسانی هستند که با وقف پول موافقت کرده‌اند لیکن جزء فقیهان بزرگ نیستند. اگرچه برخی از محققان از جمله خسروی مدعی‌اند که در میان شیعیان این بحث به تازگی مطرح شده است (۱۳۸۶: ۱۲۸)، مطابق برخی گزارش‌ها مواردی از وقف پول در شیعه مطرح شده است. همچنین فقیهان امامی از قرن پنجم به بعد، این بحث را به صورت جدی مطرح کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۸: ۲۵۰/۳؛ حلبی، ۱۴۱۷: ۲۹۷). علاوه بر این در وقف‌نامه‌ای که به حدود یکصد سال قبل در استان خراسان رضوی مربوط می‌شود، واقفی دو تومان را وقف کرده و گفته است که با این دو تومان استرباح شود و ربح حاصل از این مبلغ برای نظافت حمام عمومی (که عمدتاً در قدیم به صورت وقفی بوده است) استفاده شود (نظام‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱). در وقف‌نامه‌ای دیگر که به وزیر خزانه‌داری شاه سلطان‌حسین مربوط می‌شود متولّی تعداد ۱۵۰ سگّه زر در اختیار تاجری معتبر قرار می‌دهد تا درآمد حاصل از آن صرف مدرسه علمیّه در اصفهان شود (همان).

پیشینه تحقیق

حائری و عباسی (۱۳۸۶) به «بررسی فقهی وقف پول» پرداخته‌اند که با بررسی روایات و اشاره به ماهیت و مالیت پول و همچنین اقوال فقها در مورد ادلّه صحت و بطلان در زمینه وقف پول، جواز وقف پول را نتیجه گرفته‌اند.

عبداللهی و همکاران (۱۳۹۰) «وقف به مثابه تأمین مالی خرد اسلامی: ارائه الگوی

تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در کشور» را مورد تحقیق قرار داده‌اند و ضمن اشاراتی به مفهوم و سابقه تاریخی نهاد وقف در اسلام، تشکیل مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی را از منظر فقهی امکان‌سنجی کرده و پس از بحث در مورد وقف پول به عنوان یک منبع تأمین مالی خرد وقفی، به ارزیابی ضرورت تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در کشور و مزایای تشکیل این نوع مؤسسات از قبیل افزایش کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع و تقویت اشتغال پرداخته‌اند.

چیزاکا^۱ «تلفیق وقف پول و مضاربه، ابزارهای تأمین مالی غیر بانکی از گذشته تا آینده» را بررسی کرده است. در این تحقیق ضمن اشاراتی به سابقه تاریخی وقف پول در حکومت عثمانی، بیان می‌کند که اگر وقف پول و بانک‌های اسلامی بتوانند با یکدیگر تلفیق شوند بسیاری از مشکلات از قبیل مشکلات تأمین مالی و عدم تطابق منابع مالی از بین خواهند رفت (Cizakca, 2004: 2-3).

لاهاسانا^۲ در تحقیق خود با عنوان «نقش وقف پول در تأمین مالی تشکیلات اقتصادی کوچک و متوسط» ابتدا به تعاریف متعدد از صنایع کوچک و متوسط می‌پردازد و سپس به آزمایش الگویی در جهت تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط در چارچوب شرکت‌های موجود در مالزی می‌پردازد. طبق دیدگاه لاهاسانا، مفهوم وقف باید بیشتر حول محور فعالیت‌های اقتصادی یا به سمت زمینه‌های اقتصادی و تأمین مالی با توجه به نیاز صنایع باشد. او معتقد است که وقف پول می‌تواند به عنوان یک منبع تأمین مالی خرد منجر به انجام پروژه‌های بیشتر، فرصت‌های کسب و کار بیشتر و اشتغال بیشتر شود که نتیجه آن سهم شدن وجوه وقف شده در رشد و توسعه اقتصادی و همچنین توسعه سیستم مالی است (Lahsasna, 2010: 98, 108, 110, 112, 114).

۱. تعریف وقف

وقف در لغت به معنای به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است و در اصطلاح فقهی نگهداشتن و حبس کردن عین و مصرف کردن منفعت آن در راه خداست (دهخدا،

1. Cizakca.
2. Lahsasna.

۱۳۲۸: ۲۳۴/۴۸؛ طریحی، ۱۴۰۸: ۵۳۵/۴، مادهٔ وقف) و در اصطلاح، تحبیس و تسبیل مال را وقف گویند. بنابراین، وقف عقدی است که به موجب آن فردی عین مال خود را تحبیس می‌کند و منافع آن را جهت صرف در راه‌هایی که مشخص می‌کند، رها می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۵۳). مادهٔ ۵۵ قانون مدنی در مقام تعریف حقوقی و اصطلاحی وقف می‌گوید:

وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگی نگاه‌بینه، ۱۳۸۵: ۲۳).

۱-۱. تعریف وقف پول

پژوهشگران اهل سنت تا کنون تعاریف متنوعی را از وقف پول ارائه داده‌اند. مناسب‌ترین تعریف عبارت است از: «بسیج سرمایهٔ وجوه^۱ از طرف اهداکنندگان^۲ بر اساس مدت نامحدود یا ابدی و سرمایه‌گذاری آنان در دارایی‌های مولد که هم منافی از طریق استفادهٔ عین فراهم می‌کند یا درآمد و عایدی‌هایی در جهت مصارف آینده برای افراد یا گروه‌ها بر اساس خط مشی و سیاست در نظر گرفته‌شده توسط اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان فراهم می‌کند». این تعریف، کامل‌ترین تعریف برگرفته‌شده بر اساس مفهوم شریعت^۳ از وقف و تأمین مالی است (Lahsasna, 2010: 104).

۲-۱. وقف پول از دیدگاه فقه شیعه

قبل از بررسی ادلهٔ صحت و بطلان وقف پول، ابتدا لازم است به شرایط مال موقوفه پرداخته شود. در اینکه چه مالی را در پرتو وقف می‌توان برای خود محفوظ نگهداشت تا سود و پاداش آن همواره به انسان برسد عامه و خاصه نظریات متعددی را مطرح کرده‌اند. در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود:

(۱) معین: واقف باید موقوفه را به دقت و کامل معین و مشخص نماید تا هیچ شک و شبهه‌ای ایجاد نشود (حنفیه: ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸: ۳۱۵/۵؛ امامیه: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰:

1. Mobilization funds.
2. Donors.
3. Shariah.

۱۵۵/۳-۱۵۶: حنبلیه: بهوتی، ۱۴۱۸: ۲۹۶/۴: زیدیه: حسنی، بی‌تا: ۴۶۱/۳: شافعیه: انصاری، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۱: نووی، بی‌تا: ۳۷۸/۴ و ۳۲۱/۱۵).

(۲) قابلیت انتفاع: باید امکان انتفاع و بهره‌برداری از مال موقوفه وجود داشته باشد؛ خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم (شافعیه: نووی، بی‌تا: ۳۷۸/۴ و ۳۲۰/۱۵).

(۳) قابلیت تسلیم: چیزی که قرار است به عنوان موقوفه مطرح شود، لازم است قابلیت تسلیم داشته باشد (امامیه: حلی، ۱۴۰۲: ۱۵۶؛ همو، ۱۴۰۳: ۴۴۳/۲-۴۴۵، فاضل آبی، ۱۴۱۰: ۴۸-۴۶/۲: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۱۵۵-۱۵۶/۳: شافعیه: نووی، بی‌تا: ۳۷۸/۴).

(۴) قابلیت بقا: از آن رو که وقف به عنوان صدقه جاری مطرح است، لازم است که موقوفه قابلیت ماندگاری بالا را داشته باشد (امامیه: حلی، ۱۴۰۲: ۱۵۶؛ همو، ۱۴۰۳: ۴۴۳/۲-۴۴۵؛ فاضل آبی، ۱۴۱۰: ۴۸-۴۶/۲: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۱۵۵-۱۵۶/۳: ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۳۶۹؛ حنفیه: کاشانی، ۱۴۰۹: ۲۲۰/۶: حنبلیه: ابن قدامه، بی‌تا: ۱۸۸/۶: زیدیه: حسنی، بی‌تا: ۴۵۹/۳-۴۶۰). در واقع اگر موقوفه استعداد ماندگاری را نداشته باشد، با غرض تشریح وقف تناقض دارد؛ برای مثال میوه و سبزی که قابلیت بقا و ماندگاری ندارد، هیچ‌گاه نمی‌تواند وقف گردد.

(۵) غیر مُشاع: از دیگر شرایط موقوفه آن است که به صورت غیر مشاع باشد (امامیه: حلی، ۱۴۰۲: ۱۵۶؛ همو، ۱۴۰۳: ۴۴۳/۲-۴۴۵؛ فاضل آبی، ۱۴۱۰: ۴۸-۴۶/۲: حنفیه: سمرقندی، ۱۴۱۴: ۳۷۷/۳، کاشانی، ۱۴۰۹: ۲۱۹/۶-۲۲۰). البته محیی‌الدین نووی از شافعیه (بی‌تا: ۳۲۶/۱۵) و تمام فقیهان زیدیه (حسنی، بی‌تا: ۴۵۹/۳-۴۶۰) این شرط را نپذیرفته‌اند.

۳-۱. ادله بطلان وقف پول

الف) عین بودن مال موقوفه

مال موقوفه باید از اعیان باشد و پول از نقود است. از کلام فقها چنین فهمیده می‌شود که عین در مقابل «دین»، «منفعت» و «کلی» است که وقف آن‌ها صحیح نیست (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۷/۳). حقوق دانان نیز گفته‌اند مالی که به وسیله حس لامسه حس شود، عین است. با توجه به این تعاریف، درهم و دینار، نقود و پول، واجد وصف عینیت هستند و تعبیر عین در کلام فقها شامل عین اعتباری نیز می‌شود.

ب) منافات با ماهیت وقف

مهم‌ترین دلیل بطلان وقف برای انتفاعاتی نظیر قرض، مضاربه، رهن و مانند آن، مخالفت با ماهیت وقف است. چون اگر اصل مال موقوف با انتفاع از آن باقی نماند، با ماهیت وقف که تحبیس اصل است، منافات خواهد داشت.

ج) اجماع

مخالفان، ادعای اجماع بر عدم صحت وقف پول کرده و گفته‌اند که در عدم صحت وقف پول اختلافی بین فقها وجود ندارد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۱۵۴/۳) و آن چه آن را تأیید می‌کند آن است که در *الدروس و جامع المقاصد* ادعای اجماع بر عدم جواز از *المبسوط* نقل شده است (حائری و عباسی، ۱۳۸۶: ش ۸۶/۱۹).

د) منافات داشتن با شرط تأیید

بسیاری از فقها از جمله شهید اول و صاحب جواهر تأیید را در وقف شرط دانسته‌اند. بنابراین در وقف پول این اشکال مطرح است که طول عمر پول به درازی طول عمر زمین، خانه یا کاروانسرای که وقف می‌شود نیست؛ به عبارت دیگر ابدی نیست و خصوصاً با بالا رفتن تورم از اعتبار ساقط می‌شود، لذا نمی‌توان آن را وقف کرد؛ زیرا چنانکه اشاره شد بعضی از فقها مدت طولانی را در بهره‌برداری از موقوفه شرط دانسته و گفته‌اند که وقف باید ابدی باشد و موقوفه‌ای که نفعی در کوتاه مدت داشته باشد با تأیید سازگار نیست (عباسی، ۱۳۸۵: ۹۲).

ه) منقول بودن پول

گروهی از فقهای حنفی وقف منقول را جایز نمی‌دانند و دلیل عدم جواز نزد آنان این است که از شروط وقف، ابدیت است و مال منقول دوام نمی‌یابد. لذا وقف پول که منقول است صحیح نیست (همان: ۹۹).

۴-۱. ادلة صحت وقف پول

در وقف پول، مهم‌ترین اشکالی که از سوی مخالفان مطرح می‌شود، فقدان شرط «قابلیت بقا» است؛ یعنی پول زمانی قابل استفاده است که از بین برود، این در حالی

است که موقوفه باید قابلیت بقا داشته باشد و با انتفاع از آن، عین آن باقی بماند؛ چنانکه در تعریف وقف آمده است: «تحییس الأصل و تسبیل المنفعة». در پاسخ به این اشکال باید به چند نکته توجه کرد:

الف) اطلاق روایات وقف

مانند حدیث صحیح‌های که فرمود:

هر وقفی که دارای وقت معلومی باشد، بر ورثه واجب است مطابق آن عمل کنند و هر وقفی که زمانش مشخص نیست و برای مجهول وقف شده باشد، باطل است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۲/۱۹).

با توجه به اطلاق این روایت، هر چیزی اعم از دائم یا غیر دائم، قابلیت وقف دارد و تنها شرطی که برای موقوفه است، وقف دائمی آن است یعنی شخص به صورت موقت آن را وقف نکند.

ب) روایات مبنی بر وقف مال

روایاتی در بحث وقف وجود دارد که بر صحت وقف مال اشاره دارد؛ برای مثال به دو حدیث ذیل اشاره می‌گردد.

۱. در حدیثی حضرت زهرا علیها السلام اختیار موقوفاتی را به دست حضرت علی علیه السلام و پس از ایشان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌دهد که یکی از آن موقوفات «اموال امّ ابراهیم» است (همان: ۱۹۸/۱۹). با توجه به تصریح لغویان بر اینکه اصل مال، طلا و نقره است (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹: ۳۷۳/۴) حتی برخی لفظ مال را مختص به طلا و نقره دانسته‌اند (کاشف الغطاء، ۱۴۱۰: ۱۴)، پس باید بخشی از موقوفات امّ ابراهیم، طلا و نقره و پول باشد که به عنوان موقوفه در اختیار حضرت زهرا علیها السلام قرار داشت.

۲. در روایت موثقه‌ای آمده است که امام صادق علیه السلام مقداری از اموالش را وقف کرد تا چند بخش شود و پس از شهادت ایشان، در زمان‌های خاصی آن‌ها را انفاق کنند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۴/۱۹). بر اساس این حدیث نیز حضرت چیزی را وقف کرده است که شرط «تحییس الأصل» در آن وجود ندارد. اصلاً حضرت علیه السلام تصریح کرده است که پس از شهادتش، اموالش را در زمان‌های خاص انفاق کنند که در واقع با

انفاق مال، تحبیس اصل اتفاق نمی‌افتد.

ج) نبود دلیل شرعی صحیح بر «تحبیس الاصل»

انصاف این است که در بررسی روایات معتبر، رکنی با عنوان «تحبیس الاصل» یافت نمی‌شود و شاید استناد نخستین فقیهان امامی که این رکن را معتبر شمرده‌اند به دو حدیث مرسل پیش گفته از پیامبر صلی الله علیه و آله یا گرت‌برداری از فقه اهل سنت باشد که هیچ کدام حجیت شرعی ندارند. خلاصه آنکه تعریف اصطلاحی وقف در میان فقیهان، منشأ روایی ندارد و حتی در روایات صحیح‌السند، برخی مصادیق و موارد وجود دارد که این تعریف را مخدوش می‌سازد.

د) فقدان شرط «حبس الاصل» در فتاویٰ قدما

برخی قدمای شیعه مانند سید مرتضی (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۱۵۵/۳-۱۵۶؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۳/۳) و ابویوسف از فقهای حنفیه (ابن عابدین، ۱۴۱۵: ۵۴۵/۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۴: ۳۷۷/۳؛ کاشانی، ۱۴۰۹: ۲۱۹/۶) و ابن حاجب و خلیل از فقهای مالکیه (حطاب رعینی، ۱۴۱۶: ۶۲۶/۷) وقف موقت را نیز صحیح دانسته‌اند. در واقع حتی لازم نیست موقوفاتی که عین در آن‌ها دوام دارد، به صورت دائمی وقف گردد؛ یعنی «حبس الاصل» که امروزه یکی از ارکان وقف به شمار می‌رود، در فتاویٰ گذشتگان جایی نداشته است. در واقع این فتاویٰ قدمای مسلمانان با تعریفی که در نسل بعدی فقها مطرح شده است، ناسازگار است و اعتبار تعریفی را که در دوره‌های بعد به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، زیر سؤال می‌برد.

ه) جواز وقف پول به صورت مشروط

فقهای شیعه در وقف پول و طلا و نقره دارای دو نظریه عمده هستند:

- ۱- عدم جواز وقف پول و طلا و نقره مطلقاً (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۲۹۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۷۵/۲ و ۴۷۹؛ حلی، ۱۳۸۸: ۳۸۹/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ۲۰۸/۳).
- ۲- جواز وقف پول و طلا و نقره به شرط وجود منفعتی که باعث از بین رفتن اصل نشود (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۰/۳؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳۳۰/۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱۰؛ عاملی، ۱۴۱۴:

۲۶۹/۲: عاملی جبعی، ۱۴۱۴: ۲۱۲/۵: نجفی، ۱۴۰۹: ۳۰۲/۲۷ و ۱۹/۲۸: طباطبایی یزدی، ۱۴۰۵: ۱۰۰-۹۹/۵، ۳م: موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۴۴۵/۲: موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹: ۳۴۹/۲: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۳۵/۲ و ۳۱۳/۳).

قائلان دسته دوم در مقام شمارش منافع احتمالی پول و طلا و نقره نیز در تعیین برخی مصادیق اختلاف کرده‌اند. برخی از منافع احتمالی عبارت‌اند از:

۱. تزئین (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۰: ۳۰۵)؛
۲. پوشش مردان و زنان (سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۲۵۷/۲)؛
۳. استفاده در ضرب سکه (آل عصفور بحرانی، ۱۴۱۰: ۲۸۰/۳)؛
۴. دفع خواری (نجفی، ۱۴۰۹: ۱۹/۲۸)؛
۵. حفظ اعتبار (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۵: ۲۰۶/۱)؛
۶. حفظ اعتبار به شرط اینکه اگر نیاز شد، تبدیل کنند (تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۱۰/۲)؛
۷. پشتوانه مالی (حسینی شیرازی، ۱۴۲۵: ۴۵۷/۱).

چنانچه گذشت از ظاهر عبارت برخی از فقها^۱ به نظر می‌رسد که برخی از فقهای امامیه بر جواز وقف پول فتوا داده‌اند. در ضمن با توجه به اینکه فقهای بسیاری شرط دوام را در مال موقوفه پذیرفته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۲/۳: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۷۹/۲: کرکی، ۱۴۱۴: ۱۷/۹) می‌توان ادعا کرد که شرط «حبس الأصل» دلیل قطعی ندارد لذا ظاهراً رعایت این شرط لازم نیست. در واقع وقف پول با عمومات ادله وقف، سازگار است و اشکالی در وقف آن نیست.

۵-۱. وقف پول در فتوای مراجع تقلید

علاوه بر ادله و توضیحات ذکرشده، لازم است تا دیدگاه برخی از مراجع تقلید درباره وقف پول ارائه و بررسی شود. در ادامه به بررسی برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

۱. ابن زهره حلبی می‌نویسد: «لا يجوز وقف الدرهم والدنانير بلا خلاف ممن يعتد به» (۱۴۱۷: ۲۹۷). در واقع تعبیر «ممن يعتد به» نشانگر آن است که هیچ یک از بزرگان با وقف پول موافقت نکرده‌اند، اما کسانی هستند که با وقف پول موافقت کرده‌اند ولی جزء فقیهان بزرگ نیستند.

استفتا از امام خمینی علیه السلام

شخصی وصیتی نموده و دو نفر را به عنوان وصی و وکیل تعیین نموده و گفته است که بعد از مرگش مایملک او را وقف حضرت ابوالفضل نمایند و مایملک او عبارت است از یک باغ و مقداری پول نقد، ولی فعلاً وکیل و وصی از اجرای وصیت عذر می آورند و می گویند: چون ما با آن قریه‌ای که باغ در آن می باشد فاصله داریم لذا نمی توانیم از عهده برآیم با توجه به این [وظیفه ما چیست؟]

پاسخ: باید در باغ بر طبق وصیت عمل کنند و تبدیل جایز نیست و نسبت به پول وصیت به وقف باطل است (۱۴۲۲: ۴۴۵/۲).

استفتا از آیت الله محمد رضا موسوی گلپایگانی علیه السلام

شخصی مبلغ یک هزار تومان وجه برای مسجدی وقف نموده و صیغه وقف هم خوانده شده آیا اجازه می فرمایید وجه مذکور را صرف بنای غسلخانه بنماییم یا خیر؟

پاسخ: اگر مقصود وقف پول است صحیح نیست و اگر صاحب آن وصیت کرده که این مبلغ را صرف مسجدی بنمایند وصیت او صحیح است (۱۴۰۹: ۳۴۹/۲).

استفتا از آیت الله ناصر مکارم شیرازی

- شخصی می خواهد دو میلیون تومان پول در یکی از بانک‌های جمهوری اسلامی ایران به عنوان سپرده همیشگی بگذارد و اصل این پول را وقف مسجدی بنماید و از بهره بانکی آن خرج همان مسجد و روحانی مسجد و امثال آن بنماید. این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پاسخ: پول را نمی توان وقف کرد، ولی می توان به مسجد تملیک نمود و در این صورت مسجد مالک آن می شود و درآمد مشروع آن در مصارف مذکور در بالا صرف خواهد شد (۱۴۲۷: ۴۳۵/۲).

- فقهای بزرگوار در تعریف وقف فرموده اند: «حفظ العین وتسیل المنفعة» با توجه به اینکه امروزه در اثر تحولات اساسی در اقتصاد کشور، پول رایج مملکت دارای جایگاه خاص خود می باشد و چه بسا بسیاری از اشخاص مایل اند بخشی از دارایی خود را برای منظور خیری وقف کنند، خواهشمند است راجع به سؤالات ذیل اعلام

نظر فرمایید: آیا وقف وجه نقد که در حساب سپرده بانک قرار گیرد و منافع آن در چارچوب بانکداری اسلامی صرف اجرای نظر واقف شود جایز است؟

پاسخ: با توجه به اشکالی که فقها در وقف وجه نقد دارند، احتیاط آن است که در این گونه موارد از وصیت استفاده شود؛ یعنی شخص در حال حیاتش مبلغی را به بانک یا صندوق قرض الحسنه بسپارد و وصیت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند (منوط به اینکه بیش از ثلث اموال نباشد یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازه ورثه را در حال حیات بگیرد) (همان: ۳/۳۱۳).

در ادامه به متن استفتای تنظیم شده‌ای که از مراجع عظام تقلید^۱ درباره وقف پول پرسیده شده است و پس از آن پاسخ‌های دریافت شده، پرداخته می‌شود:

استفتا از مراجع عظام تقلید

با توجه به مطالبی که در ذیل اشاره می‌گردد: (۱) اطلاق برخی از روایات وقف (مانند حدیث صحیح‌ای که فرمود: «هر وقفی که دارای وقت معلومی باشد، بر ورثه واجب است مطابق آن عمل کنند و هر وقفی که زمان آن مشخص نیست و برای مجهول وقف شده باشد، باطل است») (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱۹۲) با توجه به اطلاق این روایت، هر چیزی اعم از دائم یا غیر دائم، قابلیت وقف دارد و تنها شرطی که برای موقوفه است، وقف دائمی آن است یعنی شخص به صورت موقت آن را وقف نکند؛ (۲) برخی روایات دیگر مبنی بر وقف مال (برای مثال دو حدیث ذیل اشاره می‌گردد: ۱. در حدیث دیگری حضرت زهرا علیها السلام اختیار موقوفاتی را به دست حضرت علی علیه السلام و پس از ایشان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌دهد که یکی از آن موقوفات «اموال امّ ابراهیم» است (همان: ۱۹۸). با توجه به تصریح لغویان مبنی بر اینکه اصل مال، طلا و نقره است (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹: ۴/۳۷۳) حتی برخی لفظ مال را مختص به طلا و نقره دانسته‌اند (کاشف الغطاء، ۱۴۱۰: ۱۴) پس باید بخشی از موقوفات امّ ابراهیم، طلا و نقره و

۱. لازم به یادآوری است که متن این استفتا در تاریخ ۹۱/۵/۴ از طریق رایانامه به دفتر مراجع تقلید (مانند سیدعلی حسینی سیستانی، سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سیدصادق شیرازی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، حسین علی منتظری، حسین نوری همدانی، حسین وحید خراسانی) ارسال گردید، اما تنها چهار پاسخ دریافت شد که در متن ذکر شده است.

پول باشد که به عنوان موقوفه در اختیار حضرت زهرا علیها السلام قرار داشت. ۲. در روایت موثقه‌ای آمده است که امام صادق علیه السلام مقداری از اموالش را وقف کرد تا چند بخش شود و پس از شهادت ایشان، در زمان‌های خاصی آن‌ها را انفاق کنند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۴/۱۹). در این حدیث نیز حضرت چیزی را وقف کرده است که شرط «تحبیس الأصل» در آن وجود ندارد. با توجه به نبود دلیل شرعی صحیح بر «تحبیس الأصل»، لطفاً به پرسش‌های ذیل پاسخ دهید:

- الف) در صورت اشتراط «تحبیس الأصل» ملاک عرف است یا خیر؟
 ب) در صورتی که ملاک تحبیس الأصل عرف باشد، اگر عرف با وجود تغییر پول‌ها، باز هم بر این باور باشد که تحبیس الأصل محقق شده است، کفایت می‌کند؟
 ج) آیا وقف پول، صحیح است؟
 د) در فرض اینکه در وقف پول، کاغذها وقف نگردد، بلکه اعتبار یا قدرت خرید وقف گردد، وقف پول چه صورتی دارد؟
 ه) آیا حبس پول (حبس و عمری و سکنی که در برخی از کتب فقهی مطرح شده است، منظور است) صحیح است؟
 و) در فرض عدم صحت وقف یا حبس پول، چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ آیه‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

در وقف حبس العین لازم است، بنابراین وقف پول صحیح نمی‌باشد. والله العالم

پاسخ آیه‌الله حسین علی منتظری

ظاهراً مشکل در وقف پول، تطبیق مفهوم وقف بر پول و تصویر معقول از وقف پول - به معنای مورد نظر در ادله وقف - است. حقیقت وقف متوقف کردن مال از نقل و انتقال و تملیک و تملک و صرف منافع آن در جهت خاصی است، لذا در بسیاری از روایات از وقف به «صدقة لا تُباع ولا توهب ولا تورث» تعبیر شده است. بنابراین چنانچه مفهوم و حقیقت وقف در موردی صدق کند وقف آن مشکلی ندارد و اجماع بر عین بودن مورد وقف، در مقابل دین و منفعت است و نه در مقابل پول. با توضیح فوق معلوم می‌شود اطلاق روایات وقف نمی‌تواند در این باب مفید باشد؛ زیرا موضوع آن وقف است و اختصاص به مواردی دارد که وقف صدق کند و شامل

مواردی که وقف صدق نمی‌کند نمی‌شود و نمی‌توان از آن استفاده کرد که وقف در پول صدق می‌کند یا نه. اما این نتایج را می‌توان از طریق معاملات دیگر و یا احکام عمومی عقود و یا ایقاعات و مانند آن صحیح و مشروع دانست مانند اینکه در قالب وصیت انجام شود تا احکام وصیت را دارا باشد؛ یعنی کسی وصیت کند که مبلغی از دارایی‌اش پس از او صرف قرض‌الحسنه شود و یا به مضاربه داده شود و فواید آن در جهت خاصی صرف گردد و یا شخصی پول خود را به مؤسسه قرض‌الحسنه یا خیریه و مانند آن تملیک کند تا صرف قرض‌الحسنه شود یا سود حاصل از تجارت با آن، صرف امور خیریه گردد و در این صورت هرچند نام وقف بر آن اطلاق نشود و یا مجازاً و با عنایت، اطلاق وقف بر آن شود اما بسیاری از نتایج و آثار وقف را دارد. البته اختصاص پول به این منظور اگر در قالب خاص نیز نباشد، اشکالی ندارد اما صدق عقد بر آن محل تأمل و اشکال است و الزامی بودن آن از باب وعد و مبنی بر احتیاط واجب است (دفتر استفتانات آیه‌الله منتظری).

پاسخ آیه‌الله سیدصادق شیرازی

الف) ملاک عرف است. ب) وقف پول مشکل است، ولی وقف مالیت عین بعید نیست. ج) مشکل است. د) از جواب «ب» معلوم می‌گردد. ه) وقف مالیت عین شود بعید نیست که صحیح باشد.

پاسخ آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی

از آنجایی که اکثر مردم می‌دانند که ماهیت وقف حبس کردن عین و استفاده از منافع آن است و این قرینه‌ای می‌شود برای اینکه منظور از اموال در آن روایات اموالی است که بتوان آن را حبس کرد (دفتر استفتانات آیه‌الله مکارم شیرازی).

استفتای دوم از آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی

در مورد وقف پول که نوشته بودید: «از آنجایی که اکثر مردم می‌دانند که ماهیت وقف حبس کردن عین و استفاده از منافع آن است و این قرینه‌ای می‌شود برای اینکه منظور از اموال در آن روایات اموالی است که بتوان آن را حبس کرد»، چند نکته را یادآور می‌شوم:

۱. در حدیث موثقی آمده است که امام صادق علیه السلام مقداری از اموالش را وقف کرد تا چند بخش شود و پس از شهادت ایشان، در زمان‌های خاصی آن‌ها را انفاق کنند (حرّ

عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱۷۴). مطابق این حدیث حضرت چیزی را وقف کرده است که شرط «تحبیس الأصل» در آن وجود ندارد.

۲. عرف چنین برداشتی از وقف نداشته است، بلکه این در فقه مطرح شده است. «تحبیس الأصل و تسبیل المنفعة» تا زمان شیخ طوسی در فقه شیعه مطرح نبوده است و تنها یک روایت مرسله از طریق اهل سنت مستند این تعبیر قرار گرفته است. لطفاً با کمی دقت به ادله ذیل توجه فرمایید تا روشن شود در شرع نیز چنین شرطی معتبر نیست:

- اطلاق برخی از روایات وقف (مانند حدیث صحیح‌های که فرمود: «هر وقفی که دارای وقت معلومی باشد، بر ورثه واجب است مطابق آن عمل کنند و هر وقفی که زمانش مشخص نیست و برای مجهول وقف شده باشد، باطل است») (همان: ۱۹/۱۹۲). با توجه به اطلاق این روایت، هر چیزی اعم از دائم یا غیر دائم، قابلیت وقف دارد و تنها شرطی که برای موقوفه است، وقف دائمی آن است یعنی شخص به صورت موقت آن را وقف نکند).

- برخی روایات دیگر مبنی بر وقف مال (برای مثال دو حدیث ذیل اشاره می‌گردد: ...^۱). در این حدیث نیز حضرت چیزی را وقف کرده است که شرط «تحبیس الأصل» در آن وجود ندارد.

پاسخ: وقف یک امر عرفی است که قبل از اسلام بوده و در میان یهود، نصارا و اقوام دیگر وجود داشته است و همه در عرف معنای وقف را این می‌دانند که عین چیزی باقی بماند و منافعش صرف امور مورد نظر شود. بنابراین تردید در این امر نداشته باشید و اگر جایی در مورد پول و مانند آن فرضاً تعبیر به وقف شد، مفهوم آن تخصیص دادن آن به مصارف خاصی است (دفتر استفتانات آیه‌الله مکارم شیرازی).

استفتای سوم از آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی

مطابق آنچه در تاریخچه وقف مطرح می‌شود، وقف از ابتکارات دین مبین اسلام است (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی). تنها در حقوق انگلیس، عنوانی شبیه به

۱. شرح آن گذشت.

وقف اسلامی مطرح است که به آن «تراست»^۱ گفته می‌شود اما در آن نیز محدودیتی برای تبدیل عین وجود ندارد. اما ظاهراً بنا بر شواهد تاریخی، این سنت در ادیان دیگر نبوده است. لطفاً این مسئله و ادله آن را به حضرت آقا نشان دهید، شاید فتوایی راهگشا در این زمینه بیان نمایند؛ زیرا در سازمان اوقاف نیز این نوع وقف، مورد نیاز است و از سوی دیگر با توجه به امکان وقف پول‌های اندک، باعث ترویج سنت حسنه وقف خواهیم شد.

پاسخ: وقف قبل از اسلام هم بوده است و معابد یهود و نصارا و اقوام دیگر هم به صورت وقف عام بوده نه ملک شخصی معین و وقف پول جایز نیست. می‌توانند پول‌هایی را جمع کنند و وکالت بدهند که شخص جمع‌کننده چیزی با آن‌ها بخرد و وقف کند (دفتر استفتانات آیه‌الله مکارم شیرازی).

حال با توجه به اینکه در اکثر فتاوی فقیهان امامی به ویژه مراجع تقلید این اشتراط وجود دارد که عین مال موقوفه باید باقی بماند، وقف پول صحیح نیست (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۴۴۵/۲؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹: ۳۴۹/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۳۵/۲)، لذا در ادامه به برخی از راهکارهای ارائه شده برای بهره‌برداری از این منبع مردمی برای تأمین مالی امور مختلف اشاره می‌شود:

۱. پول را از طریق هر نوع عقد یا ایقاعی مانند هدیه یا صلح، به تملیک محل مورد نظر درآورد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۳۵/۲؛ منتظری، استفتای شخصی). برای مثال می‌توان وجوه نقدی جمع‌آوری شده از افراد متمول را از طریق هبه به مالکیت مؤسسات خیریه درآورد تا آن‌ها از این وجوه برای تأمین نیازهای مالی خود در برنامه‌های کمک‌رسانی به مستمندان استفاده نمایند.

۲. شخص در حال حیات خود مبلغی را به بانک یا صندوق قرض‌الحسنه (یا صندوق وقف پول) بسپارد و وصیت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند، منوط به اینکه بیش از ثلث اموال نباشد یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازه ورثه را در حال حیات بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۱۳/۳؛ منتظری، استفتای شخصی).

۳. وقف اعتبار و قدرت خرید ناشی از در اختیار داشتن پول (سیدصادق شیرازی، استفتا).

1. Trust.

پول حامل ارزش و اعتباری است که بر اساس قرارداد به آن داده شده است. آنچه امروز برای پول اهمیت دارد بحث اعتبار پول است و هنگامی که می‌گوییم وقف پول و سهام، ارزش اعتباری آن مقصود ماست. بنابراین در وقف پول، آنچه که وقف می‌شود اعتبار پول است.

۴. می‌توانند پول‌هایی را جمع کنند و وکالت بدهند که شخص جمع‌کننده چیزی با آن‌ها بخرد و وقف کند (مکارم شیرازی، استفتای شخصی). این مورد به پیشنهاد‌های ارائه‌شده توسط افراد پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسش‌نامه به ویژه کارکنان و کارشناسان سازمان اوقاف خراسان رضوی، شباهت بسیار نزدیکی دارد. طبق این پیشنهادها وجوه نقدی جمع‌آوری شده صرف خرید دارایی‌هایی از قبیل ملک تجاری یا ساختمان و تشکیلات تولیدی یک کارخانه یا مرکز تولیدی شود و این ملک به اجاره گذاشته شود و درآمد حاصل از اجاره صرف امور خیریه در جهت کاهش فقر شود یا در ملک تجاری یا مرکز تولیدی خریداری شده از محل پول‌های اهدایی اقدام به آموزش و استخدام نیروی کار با تأکید بر استخدام افراد فقیر و کم‌درآمد، در جهت افزایش اشتغال در کشور صورت گیرد یا این وجوه صرف خرید سهام یا اوراق بهادار دیگر شوند و سود حاصل از آن وقف امور خیریه شود. همچنین وقف پول به صورت دیگری نیز امکان‌پذیر است؛ بدین صورت که مثلاً شخصی که می‌خواهد پول خود را وقف کند آن را تبدیل به سکه بهار آزادی نماید و بانک برای مدتی معین تعدادی سکه به متقاضیان نیازمند بدهد تا آن‌ها بعد از رفع نیاز عین آن سکه‌ها را برگردانند. در این فرض مسئله تورم نیز صدمه به ارزش اصلی موقوفه نخواهد زد و سکه تابع افزایش و یا کاهش نرخ تورم خواهد بود.

۵. با توجه به فتاوی‌ای فقها، می‌توان راهی را مطرح کرد که «بانک یا صندوق»، پول موقوفه را بلوکه و حبس می‌کند اما به پشتوانه این ذخیره، در امور خیریه سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین، یکی از راه‌های ابقای عین پول این است که بانک یا صندوق یا نهاد مالی مورد نظر، عین پول‌ها را در نزد خود نگه دارد و به اعتبار آن‌ها، سرمایه‌گذاری کند یا وام و تسهیلات ارائه کند.

۲. تعریف سرمایه‌گذاری^۱

تعریف‌های گوناگون و مشابهی از مفهوم سرمایه‌گذاری ارائه شده است. می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری عبارت است از تبدیل وجوه مالی به یک یا چند نوع دارایی دیگر که با هدف به دست آوردن سود، برای مدتی در زمان آینده نگهداری خواهد شد. سرمایه‌گذاری می‌تواند در دارایی‌های مالی و دارایی‌های واقعی انجام شود. سرمایه‌گذاری را به روش‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند که به شرح زیر می‌باشد (شهرآبادی، ۱۳۸۹: ۲۳):

الف) سرمایه‌گذاری بر اساس موضوع سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری بر حسب موضوع به دو دسته سرمایه‌گذاری واقعی و سرمایه‌گذاری مالی تقسیم می‌شود.

ب) بر اساس زمان یا مدت سرمایه‌گذاری: بر حسب زمان، سرمایه‌گذاری را می‌توان به کوتاه‌مدت یا حداکثر تا یک سال و بلندمدت یا بیش از یک سال تقسیم کرد.

ج) بر حسب خطر یا ریسک سرمایه‌گذاری: بر اساس اینکه میزان یا احتمال تحقق نیافتن منافع آتی (ریسک) چقدر باشد، سه نوع سرمایه‌گذاری را می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت؛ سرمایه‌گذاری با ریسک کم یا متناسب، سرمایه‌گذاری با ریسک نسبی بیشتر (سفته‌بازی)، سرمایه‌گذاری پرخطر یا ریسکی.

در عمده‌مباحث این پژوهش مفهوم سرمایه‌گذاری بر مبنای دو نوع سرمایه‌گذاری کم‌خطر (کم‌ریسک) و سرمایه‌گذاری با ریسک بالا می‌باشد.

۱-۲. شرایط تحقق سرمایه‌گذاری

برای تحقق سرمایه‌گذاری سه مرحله زیر باید طی شود (شاکری، ۱۳۸۷: ۷۳۷-۷۴۱):
الف) تقاضای سرمایه‌گذاری: یعنی کارآفرینان باید با مناسب تشخیص دادن فضای کسب و کار و شرایط بازار و داشتن چشم‌انداز روشنی از انتظارات بازدهی سود، راغب به سرمایه‌گذاری باشند.

ب) عرضه وجوه: عرضه وجوه نتیجه تصمیم‌بناگاه‌ها و مردم برای پس‌انداز و وضعیت ذخیره استهلاک بناگاه‌هاست. سه روش برای تأمین مالی بناگاه‌ها وجود دارد: تأمین مالی داخلی، تأمین مالی از طریق بدهی و قرض، تأمین مالی سهامی.

1. Investment.

ج) عرضه کالاهای سرمایه‌ای: رد صورت تحقق دو شرط فوق، باید کالای سرمایه‌ای در بازار وجود داشته باشد تا امکان خرید یا سرمایه‌گذاری بر روی آن‌ها امکان‌پذیر باشد. آنچه از وقف پول انتظار می‌رود، نقش کمکی و مؤثر آن در عرضه وجوه می‌باشد. به عبارتی وقف پول، نقش تأمین مالی را به عهده دارد که از این طریق می‌تواند کمک چشمگیری در اعطای وجوه به سرمایه‌گذاران و به ویژه سرمایه‌گذاران خرد داشته باشد.

۲-۲. وقف پول و سرمایه‌گذاری در قراردادهای اسلامی

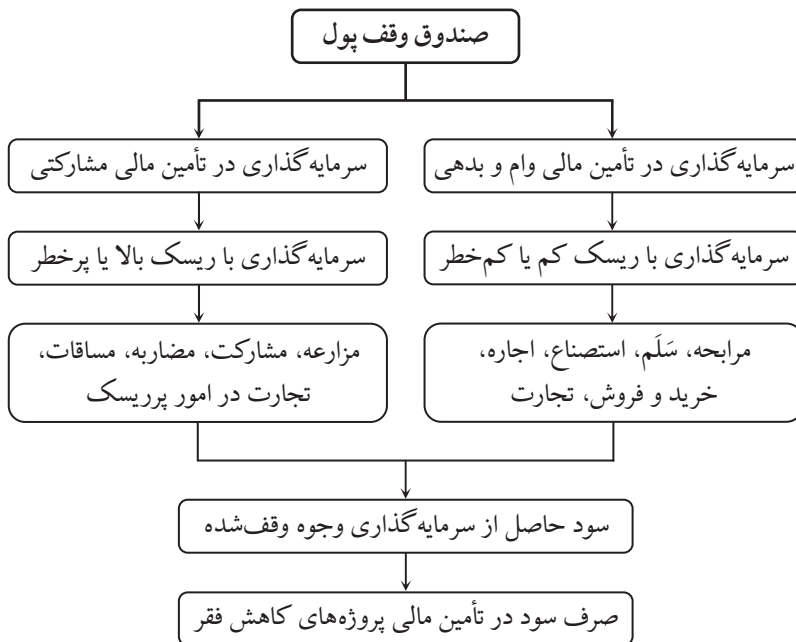
اهمیت سرمایه‌گذاری کارآمد اموال موقوفه، کمتر از اصل وقف نیست که با حمایت قانونی و مالیاتی دولت‌ها موجب تقویت هر چه بهتر جریان وقف می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته، مؤسسات وقفی همانند دیگر نهادهای مالی در راستای تخصیص بهینه دارایی‌ها، تحقق اهداف اجتماعی و تقویت بازار سرمایه فعالیت می‌کنند (حائری، ۱۳۸۶: ۱۷۲). ماسیتا و همکارانش در این باره می‌گویند:

واقف سرمایه پولی خود را از طریق فرد یا سازمانی که مسئول مدیریت سرمایه وجوه وقفی و توزیع سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن‌ها را بر عهده دارد،^۱ به موقوف‌علیه^۲ اهدا می‌کند. تنها عایدی^۳ حاصل از سرمایه وقف به موقوف‌علیه می‌رسد و اصل سرمایه وقف دوباره سرمایه‌گذاری می‌شود (2: Masyita, 2005).

سرمایه‌گذاری می‌تواند توسط انواع راه‌های پیشنهادی مانند صندوق وقف پول صورت گیرد. هر چه عایدی یا بازگشت سرمایه بیشتر باشد، موقوف‌علیه از سرمایه وقف نفع بیشتری می‌برد. به همین دلیل مناسب است که ناظر، سرمایه پولی جمع‌شده وقفی را در سبد متنوعی از سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری کند. او ممکن است سرمایه وقفی را در سیستم بانکی غیر بهره‌ای در بانک‌های داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری کند یا در کسب و کارها و تجارت‌های گزینشی سرمایه‌گذاری کند و یا به تأسیس یک کسب و کار با تفکر آینده‌نگر اقدام کند یا اینکه در صنایع کوچک و متوسط^۴

1. Nadzir.
2. Mauquf'alaiah.
3. Gain.
4. SMEs: Small and Medium scale Enterprises.

سرمایه‌گذاری کند (همان: ۴-۷). بنابراین، وجوه جمع‌شده در سبد متنوعی از زمینه‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری می‌شوند و سود حاصل از آن می‌تواند در جهت آموزش خوب، بهداشت و سلامت خوب، فقر و توسعه صنایع کوچک مورد استفاده قرار گیرد. سود حاصل از سرمایه‌گذاری همچنین برای برنامه‌های فقرزدایی مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که اصل سرمایه مجدداً در فرصت‌های سرمایه‌گذاری پرسود و متنوع، سرمایه‌گذاری خواهد شد. چارچوب وقف پول بر اساس مفهوم امانت^۱ است. مدیر سرمایه یا وجوه وقفی مسئولیت بالایی به عنوان یک فرد حرفه‌ای و امانت‌دار در به کارگیری بهترین تلاش برای موفقیت در امر سرمایه‌گذاری در قراردادهای اسلامی دارد. در اینجا نمونه‌ای از الگوی عملیاتی برای انواع سرمایه‌گذاری توسط پول‌های وقف‌شده بر اساس قراردادهای اسلامی ارائه می‌شود.



شکل ۱- الگوی عملیاتی برای انواع سرمایه‌گذاری در عقود اسلامی توسط پول‌های وقف‌شده

1. Trustee concept.

به هر حال با تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در هر یک از قراردادهای اسلامی مذکور، می‌توان انتظار بازدهی مناسب و مبتنی بر شریعت اسلام کسب نمود و این سود و منفعت را در جهت کاهش فقر در جامعه به کار گرفت و از این طریق فرایند توسعهٔ جامعهٔ اسلامی را تقویت کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فقر مشکل بسیاری از کشورهای جهان سوم است و اکثر جمعیت جهان در کشورهای با درآمد پایین زندگی می‌کنند و از فقر رنج می‌برند. راه‌های گوناگونی برای مقابله با فقر وجود دارد. یک روش برای مبارزه با فقر در جامعه وقف و خیرات است که در این میان وقف پول به عنوان یک ابزار نوین مالی (با توجه به راهکارهای ارائه‌شده دربارهٔ اجرایی شدن وقف پول در بخش فقهی پژوهش) می‌تواند در این زمینه نقش آفرین باشد. نهاد وقف پول از این وجوه جمع‌شده در سبد متنوعی از قراردادهای اسلامی، سرمایه‌گذاری می‌شوند و سود حاصل از آن می‌تواند در جهت آموزش خوب، بهداشت و سلامت خوب که همگی می‌توانند بخشی از برنامه‌های کاهش فقر باشند، استفاده شود. از این رو پیشنهاد می‌شود که مسئولان مملکتی بر اهمیت وقف به ویژه وقف پول تأکید نموده و بستر مناسب را برای اجرایی شدن وقف پول در کشور فراهم نمایند تا ذی‌نفعان که معمولاً از قشر کم‌درآمد جامعه می‌باشند از اجرایی شدن این ابزار مالی نوین اسلامی بهره‌مند گردند و از این طریق گامی در جهت فقرزدایی در جامعه برداشته شود و فرایند توسعهٔ جامعهٔ اسلامی تقویت گردد.

کتاب شناسی

۱. آل عصفور بحرانی، حسین بن محمد، *الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع* (للفیض)، قم، مجمع البحوث العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية فی غریب الحدیث و الاثر*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن ادیس حلّی، محمد بن منصور، *السرائر* (فقه شیعه تا قرن هشتم)، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن حمزه طوسی، عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی، *الوسيلة الى نیل الفضیله* (فقه شیعه تا قرن هشتم)، به کوشش محمد حسون، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن زهره حلبی، حمزه بن علی، *غنیة النزوع الى علمی الاصول و الفروع*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ ق.
۶. ابن عابدین، محمدامین بن عمر، *حاشیة ردّ المحتار علی الدر المختار* (فقه حنفی)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن قدامه، عبدالرحمن، *الشرح الكبير علی متن المقنع* (فقه حنبلی)، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا.
۸. ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، *البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق* (فقه حنفی)، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت، منشورات محمدعلی بیضون و دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۹. احسانی، محمد بن علی ابن ابی جمهور، *عوالی اللئالی العزیزیه*، قم، سیدالشهداء علیهم السلام، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. انصاری، زکریا بن محمد، *فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب* (فقه شافعی)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. بهوتی، منصور بن یونس، *کشاف القناع عن متن الاقناع* (فقه حنبلی)، تحقیق ابوعبدالله محمدحسن اسماعیل شافعی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۱۲. تبریزی، جواد بن علی، *منهاج الصالحین*، قم، مجمع الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۲۶ ق.
۱۳. حائری، محمدحسن، «بررسی سرمایه گذاری در وقف»، مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش وقف دریازار سرمایه، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. حائری، محمدحسن و طیبه عباسی، «بررسی فقهی وقف پول»، *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعه*، قم آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. حسنی (ابن مرتضی)، احمد بن یحیی، *شرح الازهار المنتزعة المختار من الغیث المدرار* (فقه زیدی)، مقدمه احمد بن عبدالله جنداری، یمن، غمضان، بی تا.
۱۷. حسینی شیرازی، سیدصادق، *التعلیقات علی شرائع الاسلام*، چاپ ششم، قم، استقلال، ۱۴۲۵ ق.
۱۸. خطاب رعینی، محمد بن محمد، *مواهب الجلیل فی شرح مختصر الخلیل* (فقه مالکی)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، *مختلف الشیعة فی احکام الشریعه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. حلّی (فخرالمحققین)، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۸ ق.
۲۱. حلّی (محقق حلّی)، نجم الدین جعفر بن حسن، *المختصر النافع* (فقه شیعه تا قرن هشتم)، چاپ دوم، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق.

۲۲. همو، *شرائع الاسلام في مسائل الحلال والحرام* (فقه شيعه تا قرن هشتم)، چاپ دوم، تهران، استقلال، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. خسروی، محمدعلی، میزگرد با موضوع «وقف پول»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش وقف در بازار سرمایه، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶ ش.
۲۴. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸ ش.
۲۵. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله، *فقه القرآن*، تحقیق سیداحمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، قم، مطبعة خيام، بی‌تا.
۲۶. سمرقندی، علاء‌الدین، *تحفة الفقهاء* (فقه حنفی)، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
۲۸. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر، *دلیل تحریر الوسیلة - الوقف*، ۱۴۲۰ ق.
۲۹. سیوری حلی، ممداد بن عبدالله، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. شاکری، عباس، *اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها*، تهران، پارس نويس، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. شهرآبادی، ابوالفضل، *مدیریت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار*، تهران، سازمان بورس اوراق بهادار، اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، ۱۳۸۹ ش.
۳۲. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، *تکملة العروة الوثقی*، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۰۵ ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ ش.
۳۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، چاپ دوم، تهران، مکتبه نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق.
۳۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه* (فقه شيعه تا قرن هشتم)، چاپ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۳۶. عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، *مسالك الافهام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. عاملی، محمد بن مکى، *الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۳۸. عباسی، طیبه، *بررسی فقهی و حقوقی وقف پول و اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری در اوقاف*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۵ ش.
۳۹. عبداللهی، محسن، مهدی قائمی اصل، و غلامرضا مصباحی مقدم، «وقف به مثابه منبع تأمین مالی خرد اسلامی: ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در کشور»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۰ ش.
۴۰. فاضل آبی، زین‌الدین ابوعلی حسن بن ابی‌طالب، *کشف الرموز* (فقه شيعه تا قرن هشتم)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴۱. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه‌مرتضی، *مفاتیح الشرائع*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ ق.
۴۲. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۴۳. کاشانی، ابوبکر، *بلدائع الصنائع* (فقه حنفی)، پاکستان، حبیبیه، ۱۴۰۹ ق.
۴۴. کاشف‌الغطاء، عباس بن علی، *المال المثلیّ و المال القیمیّ فی الفقه الاسلامی*، نجف، مؤسسه کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۰ ق.



۴۵. کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ دوم، قم، آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۴ ق.
۴۶. مسلم بن حجاج، *الجامع الصحيح*، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۴۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة والبرهان*، قم، جامعه المدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۴۸. مكارم شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، چاپ دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام، ۱۴۲۷ ق.
۴۹. موسوی خمینی، روح الله، *استفتائات*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ ق.
۵۰. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، *مجمع المسائل*، چاپ دوم، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ ق.
۵۱. موسویان، سید عباس، *فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۶ ش.
۵۲. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.
۵۳. نظام زاده، محمد علی، *مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش وقف در بازار سرمایه*، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴ ش.
۵۴. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* (مصادر حدیث فقه شیعه)، قم، آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ ق.
۵۵. نووی، محیی الدین، *روضه الطالبین* (فقه شافعی)، شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، بيروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۵۶. واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی نگاه بینه، *قانون مدنی*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی نگاه بینه، ۱۳۸۵ ش.
57. Cizakca, Murat, *Incorporated Cash Waqfs and Mudaraba, Islamic Non-Bank Financial Instruments from the Past to the Future*, Paper Submitted during the International Seminar on Non-Bank Financial Institutions, Kuala Lumpur, Jan. 26-28, 2004.
58. Lahsasna, Ahcene, *The Role of Cash Waqf in Financing Micro and Medium Size Eterprises (MMES)*, 7th International Conference - The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi 2010.
59. Masyita, Dian & Muhammad Tasrif, Abdi Suryadinata Telaga, *A Dynamic Model for Cash Waqf Management as One of the Alternative Instruments for the Poverty Alleviation*, Submitted to The 23rd International Conference of the System Dynamics Society Massachussets Institute of Technology (MIT), Boston, July 17-21, 2005.